

## بررسی دگرگونی هیئت‌های مذهبی زنانه: هیئت‌های سنتی و نوین

مژگان دستوری\*

کارشناس ارشد مطالعات زنان

### چکیده

هیئت‌های مذهبی، به عنوان مهم‌ترین کانون نمایش مناسک سوگواری تشییع، با زندگی اجتماعی، فرهنگی، و اخلاقی مؤمنان کاملاً آمیخته‌اند و همواره، با به‌ترین شکل، حالت‌های روحی و شیوه‌ی زندگی پیروان تشییع را با جهان‌بینی و اخلاق هم‌آهنگ با آن پیوند می‌دهند. رخداد انقلاب اسلامی آغاز ورود گسترده‌ی زنان به گستره‌ی اجتماع، و هم‌زمان با آن، هم‌کاری جدی‌تر و پویاتر آنان در مراسم و آداب سوگواری بود. جنگ و پیدایش دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی پس از آن و نیز دگرگونی‌های ناشی از گسترش نوگرایی سبب پدید آمدن دگرگونی در باورها و نگرش‌های دینی مردم، به‌ویژه زنان، و نیز دگرگونی فهم آنان از سازه‌های اصلی مناسک دینی و سوگواری شد و این مراسم را با دگرگونی محتوایی و صورتی بسیار روبه‌رو کرد؛ به گونه‌ی که در سال‌های پایانی دهه‌ی ۷۰، اشکالی تازه از هیئت‌های دینی و مداحی گسترش یافت، که ساختار و عناصر سازنده‌ی آن با انواع سنتی دیگرگون بود. در این پژوهش، به بررسی دگرگونی‌ها، دلایل، و چه‌گونگی آن‌ها می‌پردازیم.

### واژگان کلیدی

هیئت‌های زنانه؛ جنبش‌های دینی؛ مداحی؛ مناسک دینی؛

هیئت‌ها و جلسه‌های مذهبی، به عنوان کانونی برای انجام مناسک دینی و مذهبی، نهادی است که پیشینه‌ی تاریخی بسیار دارد و بیش‌تر پژوهش‌گران شکل‌گیری آن را به شکل‌گیری مذهب تشیع و رسمی شدن آن در دوران صفویه نسبت می‌دهند. برخی از این مجالس زنانه اند و در برخی دیگر، زنان و مردان در فضایی کاملاً جدا از هم حضور دارند. پژوهشی در این مورد نشان می‌دهد که تنها ۲۵ درصد هیئت‌ها مردانه است و در ۷۵ درصد دیگر، زنان نیز، دست‌کم به عنوان بیننده، شرکت می‌کنند (نوری‌نیا ۱۳۷۸). جلسه‌های مذهبی زنانه، به دلیل نقشی مهم که در زندگی دینی آنان دارد، در مقایسه با جلسه‌های مردانه، اشکال و کارکردهایی گوناگون دارد، که از انواع آن می‌توان روضه‌خوانی و مداحی، وعظ و خطابه، سفره‌های نذری، دعا و زیارت‌نامه‌خوانی، گفتن احکام و تفسیر قرآن، و بزرگداشت مناسبت‌ها را نام برد. پژوهشی نشان می‌دهد که زنان، نسبت به مردان، در مجالس جشن و سرور مذهبی، روضه و سوگ‌واری، سخن‌رانی، دعا، و تفسیر قرآن، بیش‌تر شرکت می‌کنند (محسنی ۱۳۸۲).

### طرح مسئله

مناسک، به عنوان آداب دینی، بر سامانه‌ی باورهایی شکل گرفته که خود ابزاری برای پدید آوردن شناخت دینی و پایه‌یی برای ایمان مذهبی مؤمنان است؛ افزون بر آن که می‌تواند وضع فرهنگ و اجتماع را نیز، به‌خوبی، بازنمایی کند. با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر جامعه‌ی ایرانی، هیئت‌های دینی نوین گستره‌یی مناسب برای بازنمایی اندازه و شیوه‌ی تأثیرگذاری این دگرگونی‌ها در گفتمان دینی و دین‌ورزی هیئت‌ها خواهند بود. ساختار دوگانه‌ی هیئت‌ها، که هم‌واره آمیزه‌یی از موعظه و مداحی بوده، با تأثیرپذیری از ساختارهای اجتماعی و شکل‌گیری تاریخی شیعیان، پیوسته در حال دگرگونی است. پس از انقلاب، با ورود چشم‌گیر زنان به گستره‌ی عمومی، به‌ویژه به مراکز علمی-آموزشی، افزایش آگاهی و بینش آن‌ها، و نیز گسترش نوگرایی و نوسازی در جهان، و به دنبال آن در جامعه‌ی ما، دگرگونی‌هایی فرهنگی و ساختاری در نقش‌های اجتماعی و الگوهای رفتاری و نگرشی زنان روی داد. از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰، هم‌گام با این دگرگونی‌ها و باز شدن نسبی فضای عمومی برای چندصدایی اندیشه‌ها، در میان نخبگان دینی، و دگرگونی در خوانش‌های دینی توده‌های مردم، مناسک و آیین‌های دینی زنان نیز با دگرگونی‌های صورتی و محتوایی بسیار روبه‌رو شد و ساختار سنتی هیئت‌های پیشین را برچید؛ زیرا مناسک و آیین‌های دینی و مذهبی به شیوه‌ی سنتی، کارکرد اصلی خود را که تثبیت و تقویت باورها



و نیز پدید آوردن آرامش و اطمینان است (کاظمی‌پور ۱۳۸۲). برای این افراد، از دست داد و دیگر پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی، اخلاقی، و روانی آن‌ها نبود؛ پس اینان نیز مجالسی برپا کردند که با هویت گروهی، ارزش‌ها، و باورهای دینی آنان هم‌آهنگ باشد؛ بدین ترتیب، در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰، گسترش چشم‌گیر و دگرگونی ساختار و سازه‌های هویتی هیئت‌های مذهبی زنان موجب پیدایش هیئت‌هایی دیگرگون از گونه‌ی سنتی شد.

### پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش:

– آیا هیئت‌های مذهبی نوین، به عنوان یک سازمان مذهبی دیگرگون از هیئت‌های مذهبی جاافتاده و سنتی، را می‌توان یک جنبش مذهبی شکل‌گرفته بر پایه‌ی کیش دانست که به ارائه‌ی شکل‌ها و الگوهای تازه در صورت و محتوای مناسک می‌پردازند؟

و پرسش‌های فرعی پژوهش:

– طی دهه‌ی گذشته، چه دگرگونی‌هایی در سازه‌های هویتی هیئت‌های مذهبی زنان پدید آمده‌است؟

– دگرگونی‌های پدیدآمده چه پیوندی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی زنان دارد؟

### چهارچوب نظری

بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیش‌مندان گروه‌ها و شاخه‌های مذهبی پدیدآمده در دهه‌های اخیر جوامع صنعتی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما در این پژوهش، برای دسته‌بندی علل و زمینه‌ی پیدایش کیش‌های مذهبی، از تعاریف و نگره‌های استارک و بن‌بریج<sup>۱</sup> و برای دسته‌بندی جنبش‌های مذهبی، از نگره‌های والیس<sup>۲</sup> استفاده می‌کنیم.

استارک و بن‌بریج (۱۹۷۹؛ ۱۹۸۵؛ ۱۹۸۷) بر این باور اند که هرچند کیش‌ها از سازمان‌های مذهبی جاافتاده انحراف دارند، جنبش‌هایی کاملاً نوپدید اند که شاخه‌یی از سازمان‌های مذهبی جاافتاده به شمار نمی‌آیند.

<sup>1</sup> Stark, Rodney, and William Sims Bainbridge

<sup>2</sup> Wallis, Roy

## جنبش‌های مذهبی

استارک و بن‌بریج (۱۹۸۵) بر این باور اند که دنیاگرایی فراگردی خودمحدودکننده، و بخشی از چرخه‌ی معمول جنبش مذهبی است؛ و کلیسا در نتیجه‌ی گرایش به تحول هرچه‌بیش‌تر، در جهت دنیوی شدن، باعث پیدایش گروه‌ها (فرقه‌ها)ی مذهبی احیاشده یا تحولات نوین بدعت‌گذارانه (کیش‌ها) می‌شود. این دو می‌گویند به‌رغم رشد دانش و دنیاگرایی شدید، دین نه‌تنها پابرجا خواهدماند، بلکه، به احتمال زیاد، صورت کیش‌های بدعت‌گذارانه را به خود خواهدگرفت. آن‌ها بر این باور اند که کیش‌های شکل‌گرفته بر پایه‌ی جنبش مذهبی گروه‌هایی نوپدید اند که کاملاً بیرون از چهارچوب سنت‌های مذهبی گذشته و جافتاده کار می‌کنند؛ دنیاگرایی کلیساهای سنتی را، به‌شدت، تضعیف کرده، اما جمعیتی غیرمذهبی به‌بارنیاورده‌است.

به دلیل ویژگی خاص محیط اجتماعی کیش—یعنی جست‌وجوگری—در جامعه‌ی کنونی، دگرگونی بزرگی در راستای روی‌گردانی از پای‌بندی به آموزه‌های ویژه و ازپیش‌تعیین‌شده و نیز روی آوردن به جست‌وجوگری (به معنای ارزش دادن به رشد عقلی و روحی فردی) وجود داشته‌است، که این همان «فردگرایی معرفت‌شناختی» است که والیس (۱۹۸۴) مطرح کرده‌بود.

نبودن نیاز به سامانه‌های فراگیر ارزشی از ویژگی‌های جوامع کنونی است، زیرا آن‌ها به مشروعیت مذهبی نیاز ندارند و در آن‌ها دین به جنبه‌یی از زندگی خصوصی تبدیل شده‌است؛ به همین دلیل، جوامع نوین بیننده‌ی یک دگرگونی ژرف در روی‌کرد مذهبی اند، که از «استعلاهای بزرگ»، که با امور اخروی، زندگی، و مرگ سروکار دارند، روی برگردانده و به «استعلاهای کوچک»، که با نفس، نشان دادن خود، و آزادی‌های شخصی سروکار دارند، روی آورده‌است (لاکمن<sup>۱</sup> ۱۹۹۰).

استارک و بن‌بریج (۱۹۷۹) سه الگوی سازگار در فراگرد پیدایش کیش مطرح می‌کنند، که عبارت اند از:

- ۱ الگوی آسیب‌شناسی روانی
- ۲ الگوی تکاملی خرده‌فرهنگی
- ۳ الگوی کارآفرین

از میان این سه الگو، الگوی «کارآفرین» با موضوع این پژوهش نزدیکی بسیار دارد.

کیش‌ها، از بسیاری از جهات، شبیه کسب‌وکار اند. این کیش‌ها را افرادی ایجاد می‌کنند که استعداد کارآفرینی دارند، زیرا این افراد بر این باور اند که می‌توانند از این کار

<sup>1</sup> Luckmann, Thomas



سود ببرند. آن‌ها از ارائه‌ی جبران‌کننده‌ها، در قبال پاداش‌هایی که از پیروان‌شان به دست می‌آورند، سود می‌برند. پاداش‌هایی که آن‌ها به‌دست می‌آورند، از بسیاری از جهات، مالی اند، اما این پاداش‌ها می‌توانند چیزهای ناملموس دیگری، چون حیثیت، تحسین، و قدرت نیز باشند. آن‌ها، غالباً، عناصری از نظام‌های اعتقادی کیش‌هایی را که تجربه‌ی قبلی از آن‌ها دارند به کار می‌برند و یا در یک ترکیب نوین تلفیق می‌کنند و یا عناصر تازه‌ی را به آن‌ها می‌افزایند. (همیل‌تون<sup>۱</sup> ۱۳۷۷: ۳۵۵)

### طبقه‌بندی جنبش‌های مذهبی

برجسته‌ترین گفته‌ها در این باره از آن کسانی است که پیدایش این جنبش‌ها را به آشفتگی ارزش‌ها یا هنجارها در جوامع صنعتی نوین نسبت می‌دهند. این جنبش‌ها جانشین شورش‌های ضدفرهنگی حاصل چیرگی چشم‌اندازهای علمی و علمی-اجتماعی اند، که با پافشاری بر فردگرایی، مسئولیت شخصی، و فراطبیعت‌گرایی، جهان‌بینی‌های سنتی را تضعیف کرده‌اند (گلاک و بلا<sup>۲</sup> ۱۹۷۶).

از سوی دیگر، برخی از نویسندگان پیچیدگی هنجاری-اخلاقی فرهنگ کنونی را علت بروز این جنبش‌ها دانسته‌اند (آنتونی و رایبیز<sup>۳</sup> ۱۹۸۳؛ برد<sup>۴</sup> ۱۹۷۹). این پیچیدگی از کثرت‌گرایی بیش‌ازاندازه‌ی فرهنگ کنونی سرچشمه می‌گیرد و باعث سستی مطلق‌گرایی اخلاقی و سنتی می‌شود. نابودی اشتراک جمعی در جوامع صنعتی و پویای نوین موجب شرکت در این جنبش‌ها و عضویت در یک گروه می‌شود (آنتونی و رایبیز ۱۹۷۴؛ مارکس و الی‌سون<sup>۵</sup> ۱۹۷۵؛ آنتونی و هم‌کاران ۱۹۷۸) و این گروه‌ها نیز، با فراهم کردن نوعی تجربه‌ی هم‌دلی عاطفی، احساسی، و شورانگیز، ارزش‌های خودمانی را با ارزش‌های جهانی می‌آمیزند (پترسون و ماوس<sup>۶</sup> ۱۹۷۳؛ آنتونی و رایبیز ۱۹۷۴؛ آنتونی و هم‌کاران ۱۹۷۸).

برای فهم بهتر این جنبش‌ها، والیس (۱۹۸۴) آن‌ها را در سه شاخه‌ی جنبش‌های پردکننده‌ی جهان، جنبش‌های تأییدکننده‌ی جهان، و جنبش‌های تطبیق‌کننده با جهان دسته‌بندی می‌کند:

**جنبش‌های پردکننده‌ی جهان** - این جنبش‌ها جهان مادی و اجتماعی را ناخوش‌نودکننده، فاسد، و غیرروحانی می‌انگارند. جوانی نسبی این مؤمنان دارای گرایش ضدفرهنگی نیرومندی است. پرباری اقتصادی، افزایش پویایی اجتماعی، و نابودی زندگی

<sup>1</sup> Hamilton, Malcolm

<sup>2</sup> Glock, Charles Y., and Robert N. Bellah

<sup>3</sup> Anthony, Dick, and Thomas Robbins

<sup>4</sup> Bird, Frederick

<sup>5</sup> Marx, John H., and David L. Ellison

<sup>6</sup> Petersen, Donald W., and Armand L. Mauss

اجتماعی، سبب افزایش گسیختگی پیوندهای اجتماعی می‌شود، که پی‌آمد آن پافشاری ضدفرهنگی بر خودانگیختگی، عشق، آزادی، بی‌بندوباری، و شیوه‌ی زندگی اشتراکی است.

**جنبش‌های تأییدکننده‌ی جهان** - آن‌ها این زندگی و جهان را کاملاً پذیرفتنی می‌دانند و بر این باور اند که سختی‌های آن را بدون دگرگونی ساختارهای اجتماعی، و تنها با دگرگونی افراد می‌توان از میان برداشت. چون این جنبش‌هایی سازمان بسیار آزادی دارند. *والیس* (۱۹۸۴) ریشه‌های جنبش تأییدکننده‌ی جهان را در موقعیت اجتماعی و شخصی ویژه‌ی جست‌وجو می‌کند، که بسیاری از افراد جامعه‌ی کنونی خود را در این موقعیت احساس می‌کنند. آن‌ها از افراد گروه‌های طردکننده‌ی جهان سال‌مندتر اند و بیش‌ترشان وابسته به طبقه‌ی متوسط، و دارای رفاهی بیش‌تر از اعضای جنبش‌های طردکننده‌ی جهان اند. این افراد دچار مسائل شخصی، مانند بیماری و مسائل مالی اند و در پیوندهای شخصی‌شان مشکل دارند. این جنبش‌ها به آن‌ها برای برآورده‌شدن نفس، خوش‌نودی خاطر، و به‌بود شخصی کمک می‌کنند و هنر آن‌ها در دانش، شگردها، و دستورکارهایی است که برای کاستن شکاف میان آرزو و واقعیت ارائه می‌کنند (همان). این جنبش‌ها با شرایط زندگی نوین و ارزش‌های جامعه‌ی کنونی سازگارتر اند و، هم‌آهنگ با جامعه‌ی فردگرایی نوین، از اعضا می‌خواهند که تنها به تجربه‌ی شخصی خود تن‌دردهند (استون<sup>۱</sup> ۱۹۷۶). این فردگرایی معرفت‌شناختی، که با گرایش به هم‌خوانی با آموزش‌های جنبش‌های تأییدکننده هم‌راه است، با موقعیت جامعه‌ی امروزی بسیار سازگاری دارد (والیس ۱۹۸۴). در موقعیت‌های بازاری، مصرف‌کننده حرف نخست را می‌زند و پی‌آمد این امر وجود ناپای‌داری بر اثر دگرگونی‌های گرایش و مد است. در واکنش به این موقعیت، برای گسترش کشش بازاری، فرآورده‌های تولیدی اشکالی گوناگون پیدا می‌کنند، که دست‌آورد آن پرشماری فرآورده، به منظور برآوردن هوس‌های زودگذر گروه‌های مصرف‌کننده است. به باور *والیس*، کالایی شدن بازار کیش‌ها و پی‌آمدهای آن دست‌آورد مستقیم فردگرایی معرفت‌شناختی است.

**جنبش‌های تطبیق‌کننده با جهان** - این جنبش‌های مذهبی سنتی‌تر اند، اما به فرد و زندگی درونی شخص، بیش‌تر از ساختارهای اجتماعی، توجه دارند. در این نوع جنبش‌ها، مناسک دسته‌جمعی نقشی مهم دارند و، بیش‌تر، بر نوعی تجربه‌ی مذهبی شخصی پافشاری می‌کنند. این نوع جنبش‌ها، مانند پروتستان‌یسم‌های جدید، بر این باور اند که هیئت‌های مذهبی سنتی و جالفتاده ارزش خود را از دست داده‌اند.

<sup>1</sup> Stone, Donald



## روش‌شناسی

در این پژوهش، برای تعیین ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، از روش میدانی و پرسش‌نامه استفاده شده‌است. در بخش بررسی ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی شرکت‌کنندگان، سن، تحصیلات، طبقه‌ی اجتماعی، و پیشه از ویژگی‌های موردنظر بود. در بیش‌تر هیئت‌های سنتی، به دلیل بافت شرکت‌کنندگان، که بیش‌تر، سال‌مند و هم‌محلی بودند، از راه‌کار مشاهده‌ی آزاد و مشارکتی و مصاحبه استفاده شد؛ در هیئت‌های عامه‌پسند از راه‌کار کمی پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شد؛ و در هیئت‌های معرفت‌گرا نیز از پرسش‌نامه، مصاحبه، و به‌ویژه، روش اسنادی (بررسی اسناد و مدارک ثبت‌نامی زنان در کلاس‌های مثنوی‌خوانی، تفسیر قرآن، و مانند آن) استفاده شد. در باره‌ی عکس‌ها، برای رعایت مسائل اخلاقی، با صاحبان آن‌ها هم‌آهنگی صورت گرفت.

هیئت‌های موردبررسی این پژوهش دربرگیرنده‌ی همه‌ی هیئت‌های ثبت‌شده و ثبت‌نشده‌ی زنانه‌ی پویا و مجالس پراکنده‌ی مداحان شناخته‌شده و برجسته در بخش‌های گوناگون شهر تهران (شمال، جنوب، غرب، شرق، و مرکز) است، که، به گونه‌ی دوره‌یی و با عنوان هیئت، برگزار می‌شوند.

در اساس‌نامه‌ی ثبت هیئت‌های مذهبی سازمان تبلیغات اسلامی «هیئت» این گونه تعریف شده‌است:

هیئت تشکیلات مردمی است، متشکل از اقشار مختلف مردم، اعم از زن و مرد، که اساساً، با محوریت ترویج فرهنگ قرآن و عترت و برگزاری مراسم در مناسبت‌های مذهبی، در اعیاد و وفیات ائمه‌ی معصومین<sup>ع</sup> و یا با هدف زنده‌نگه‌داشتن سنت عزاداری در طول سال و، به صورت ویژه، در ایام شهادت سید و سالار شهیدان، حضرت /*اباعبداللّه حسین<sup>ع</sup>*، تحت ساختار مردمی فعالیت می‌نماید. فعالیت هیئت مذهبی غیرحزبی و غیرانتفاعی است.

منظور از مداحی نیز، اجرای برنامه‌ی روضه‌خوانی، مناجات‌خوانی، ادعیه‌خوانی، مرثیه‌خوانی، و مولودی‌خوانی در هیئت‌ها و مجالس مذهبی است.

دسته‌یی از هیئت‌ها، که ویژگی‌ها، ارزش‌ها، و سازمان گروهی‌شان از سنت همیشگی هیئت‌های جاافتاده پی‌روی می‌کند، هیئت‌های سنتی نامیده‌می‌شوند. این هیئت‌ها ویژگی نخبه‌گرایی دارند و اداره‌ی آن‌ها با دوری از هر گونه دگرگونی در صورت و محتوا و نیز پی‌روی از چهارچوب‌های حاکم بر اشکال قدیمی‌تر صورت می‌گیرد. روشن کردن

چهارچوب‌هایی که معیارها و هنجارهای اصلی این هیئت‌ها را می‌سازند بر دوش نخبگان دینی است.

بخشی دیگر از هیئت‌ها اشکال و الگوهایی نوین را صورت‌بندی کرده‌اند، که از اوضاع روزمره‌ی زندگی شهری، روند نوگرایی فرهنگ مردم، و گرایش بازار (به معنای عرضه و تقاضا) تأثیر پذیرفته‌اند و به دلیل این که هنجارها و چهارچوب‌های تعیین‌شده‌ی هیئت‌های سنتی را ندارند و گرایش‌ها و پسندهای گوناگون را در خود جای می‌دهند، مخاطبان بیش‌تر دارند. این دسته هیئت‌ها عامه‌پسند نوین نامیده‌شده‌اند و نوگرایی و هیجان‌خواهی مخاطب تأثیری مستقیم بر چهارچوب‌های عرضه‌ی مداحی و ساختار مراسم آن دارد.

دسته‌ی سوم هیئت‌ها، که برخلاف دو گونه‌ی پیشین، بعد شناختی و معرفتی در آن‌ها اهمیتی بسیار دارد، هیئت‌های معرفت‌گرا نامیده‌شده‌اند. در این گونه هیئت‌ها نیز ساختارهای ازپیش‌تعیین‌شده‌ی هیئت‌های سنتی، به گونه‌ی کامل، رعایت نمی‌شود و مخاطبان آن‌ها را افرادی تشکیل می‌دهند که دارای سرمایه‌ی دانش و آگاهی اند.

دسته‌ی از شبه‌هیئت‌ها نیز وجود دارند، که به دلیل سازمان پراکنده و نداشتن برخی سازه‌های هویتی، هیئت به شمار نمی‌آیند و به عنوان «حسین‌یارتی» یا «ولتاین محرم» شناخته‌شده‌اند (این شبه‌هیئت‌ها، به دلیل مشارکت زنان، در این پژوهش وارد شده‌اند).

## یافته‌ها

در مجموع، با توجه به سازه‌های هویتی هیئت‌ها و ویژگی‌های آن‌ها، هیئت‌های مذهبی زنانه را می‌توان در دو دسته‌ی هیئت‌های سنتی و هیئت‌های نوین جای داد:

### هیئت‌های سنتی

هیئت‌های سنتی، به دلیل کارکردهای گوناگونی که دارند، در همه‌ی طول سال، به صورت دوره‌ی یا دهه‌ی، در منازل و حسینیه‌های شخصی، و اکنون در مکان‌های عمومی دیگر، مانند مساجد و حسینیه‌ها، برپا می‌شوند. این هیئت‌ها، از نظر محتوای مجالس، آداب، قوانین سازمان، و تقسیم کار، دارای نظم و ثبات اند و ساختار سخن‌ران/مداح دارند. بخش مهم این مجالس ادعیه‌خوانی و سخن‌رانی است و روضه‌خوانی در کنار آن برگزار می‌شود. در سخن‌رانی‌ها نیز، بیش‌تر، به بیان احکام و مسائل فقهی و اخلاقی مربوط به زنان پرداخته می‌شود و مناسکی مانند انواع نمازها، صلوات، و مانند آن بخش‌های دیگر برنامه‌ی مجلس را تشکیل می‌دهد. مخاطبان این نوع مجالس زنان سال‌مند، خانه‌دار، و کم یا





بی‌سواد اند و، بسته به محل هیئت، خاستگاه طبقاتی گوناگون دارند. زنان در این نوع هیئت‌ها، بیشتر، بدون آرایش و با پوشش سنتی (چادر) شرکت می‌کنند و هرچند بخشی از آنان به انگیزه‌ی ثواب و امر دینی در این مراسم حضور می‌یابند، بسیاری دیگر برای پر کردن اوقات، دیدوبازدید دوستان و همسایگان، و انجام کارهای اجتماعی و خیریه می‌آیند. مداحان، بیشتر، آموزش‌دهنده‌ی قرآن و آموزش‌دیده‌ی دروس ابتدایی یا متوسط حوزه اند و مداحی برای آن‌ها پیشه، و در مواردی، علاقه و تبرک‌جویی، به شمار می‌آید. ادبیات این مجالس در بخش مداحی، بیشتر، دربرگیرنده‌ی اشعار ساده، تصنیف، و اشعار ناشران مذهبی سازمان تبلیغات اسلامی است و رویه‌ی عاطفی آن را سوگواری و ذکر مصیبت اهل بیت تشکیل می‌دهد. در بخشی از مصاحبه‌ی که با یکی از مداحان سنتی صورت گرفت، به برخی از ویژگی‌های این مجالس اشاره شده‌است:

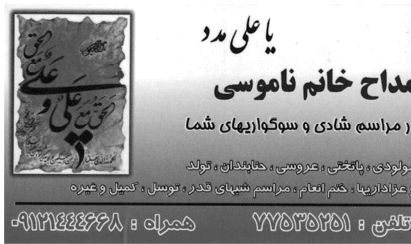
- شرکت‌کنندگان شما، به لحاظ وضعیت سنی، تحصیلی، و شغلی از چه گروهی اند؟
- از همه‌ی گروه‌ها هستند، اما زنان خانه‌دار و مسن بیشتر آن؛ البته برای جوونا در دبیرستان‌های دخترانه هم برنامه اجرا می‌کنم، که مسئولان مدرسه دعوت می‌کنن.
- شما برای انتخاب اشعار و آهنگ‌ها چه معیاری دارید؟
- مردم ساده‌گویی رو دوست دارن و خانوم‌ها هم به خاطر ظرافت روحی‌شون تصنیف و ساده‌گویی رو دوست دارن. شعرها و سخن‌رانی‌های سطح بالا میون خانوم‌ها جواب نمی‌ده و مورد پسند قرار نمی‌گیره.
- بیشتر برای برگزاری چه نوع مراسمی دعوت می‌شوید؟
- مردم، بیشتر، طالب ذکر مصیبت ان و بیشتر برای حضرت علی مراسم برگزار می‌شه؛ چون ایشون ابوالائمه ان و بیشتر مورد توجه ان.

### هیئت‌های مذهبی نوین

#### هیئت‌های عامه‌پسند زنانه‌ی نوین

این هیئت‌ها نیز، همانند هیئت‌های سنتی، به صورت ماهانه یا دهه‌ی، در حسینیه‌های شخصی و منازل، برگزار می‌شوند. شناخته‌شده‌ترین مداحان این روش، با برگزاری برنامه‌های همیشگی در نهادهای دولتی، مانند بیمارستان‌ها و مراکز به‌زیستی، برای امور خیریه، برنامه‌هایی را، به گونه‌ی مدیحه‌سرایی، و حتا در برخی موارد، تصنیف‌خوانی و ترانه‌خوانی، اجرا می‌کنند؛ افزون بر آن که با پخش کارت‌های تبلیغی، آمادگی خود را برای اجرای برنامه‌های مذهبی و غیرمذهبی نشان می‌دهند.

ساختار این هیئت‌ها مداح/نوازنده است و هرچند همانند هیئت‌های سنتی، لایه‌های ظاهری روی‌دادهای دینی و رویه‌های عاطفی آن‌ها، و نیز شخصیت‌های مقدس را مورد توجه قرار می‌دهند، برخلاف هیئت‌های سنتی، به صورتی شادمانه اجرا می‌شوند. شرکت‌کنندگان این مجالس از سن و طبقه‌های اجتماعی گوناگون، مانند پیر، جوان، خانه‌دار، و شاغل، با هر نوع تحصیلات (بر پایه‌ی پژوهش و پیمایشی که انجام شد) اند و به علت هزینه‌ی بالای این نوع مراسم، طبقه‌های پایین اجتماعی کم‌تر چون‌این مراسم را برپا می‌کنند. شرکت‌کنندگان، بیشتر، حجاب غیرسنتی و پوششی غیر از چادر دارند؛ افزون بر آن که ظاهر آن‌ها در مجلس بسیار آراسته و هم‌آهنگ با مد روز است.



انگیزه‌ی مشارکت زنان در این هیئت‌ها با انگیزه‌ی زنان در هیئت‌های سنتی همانندی بسیار دارد. در این مجالس رویه‌ی نمایشی و توجه به ابعاد زیبایی‌شناسانه‌ی مراسم بسیار شایان توجه است و کفش زیاد، نوآوری، لباس‌های نمایشی مداح و گروه نوازنده، هیجان بالا، دست‌مزد بالای مداحان، و ورود سازه‌های گوناگون مانند دف، تنبک، دایره، فلوت، و گیتار، در مراسم مولوی‌خوانی، و دمام، دف، سنج، و نی، در مراسم سوگ‌واری، از شناسه‌های آن به شمار می‌آید. در این هیئت‌ها مداحی بخش اصلی مراسم است و هدف نخست مداح



پدید آوردن شور و هیجان، با استفاده از ذکرهای مقدس و موسیقی است. بخش سخن‌رانی در این مراسم دیده‌نمی‌شود و اگر هم باشد مربوط به موضوع‌هایی غیر از احکام و مسائل فقهی و اعتقادی است. متن ادعیه گذرا و سطحی است و تنها برخی بخش‌های دعا خوانده‌می‌شود. اشعار ریتم‌دار، ترانه‌های شناخته‌شده و موردپسند عموم، و تصنیف‌های محلی و قدیمی، حتا آیات قرآن (مانند سوره‌ی «ناس»)، به صورت شعرهای شاد همراه با آهنگ‌های ضربی و شاد، در بخش مداحی اجرا می‌شود و مخاطبان، بیشتر، به گونه‌ی هیجانی، در مراسم شرکت می‌کنند.

در گفت‌وگو دینی این هیئت‌ها، دین در عشق، ارادت، و توسل به ائمه نمایان می‌شود و امری کاملاً فردی است؛ به همین دلیل، بخش سخن‌رانی، که همیشه برای آشنایی توده‌ی مردم با احکام و معارف دینی بوده‌است، نادیده‌گرفته‌می‌شود. در این نوع دین‌داری، مسائل و احکام فقه و شرع نه‌تنها مطرح نیست، بلکه در برخی از موارد خلاف شریعت است.

در یکی از این جلسه‌ها با یکی از مهمانان گفت‌وگویی انجام شد، که در بخشی از آن، به ویژگی‌هایی از این جلسه‌ها اشاره شده‌است:

- خانم [۰۰۰] چه اشعاری استفاده می‌کنه؟
- شعر خواننده‌ها مثل عهدیه، سیما بینا، بن‌یامین، یا سکیلا. شعرها را به اماما ربط می‌ده و بعضی وقت‌ها هم خود شعر خواننده رو می‌خونه. این بستگی به سلیقه‌ی صاب‌خونه و امکانات و موقعیت اون داره. مثلاً دفعه‌ی قبل شعر «دنیا دنیا» رو خوند.
- طرز لباس پوشیدن‌شون چه طوره؟ یعنی چه نوع لباس‌هایی می‌پوشن؟
- این خانم که همیشه ماکسی لباس شب می‌پوشه، ولی من تو مجلس خانم [۰۰۰] که بودم، مدل‌های روز از توی ماهواره درمی‌آرن و خیلی شیک می‌آن.
- خانم‌هایی که می‌آن از نظر سطح تحصیلات و شغل چه وضعیتی دارن؟
- ماها که همیشه می‌آییم، خوب معلومه خانه‌دار ایم؛ اما این‌جا خانم‌ها صندوق قرض‌الحسنه دارن و به خاطر برنامه‌های مالی هم که باشه می‌آن. بالاخره یه سرگرمی ته دیگه. مردم شادی رو دوس دارن؛ این‌ها هم برنامه‌هاشون جالب ته. اما روزای دیگه، مخصوصاً روزای تعطیل، خانومای شاغل هم می‌آن. بعضی‌ها لیسانس هم دارن.

## هیئت‌های معرفت‌گرا

نوع دیگر از هیئت‌های نوین، هیئت‌های معرفت‌گرا است، که در بسیاری از سازه‌ها و بخش‌ها، میانه‌ی دو گونه‌ی پیش به شمار می‌آید، اما در برخی موارد از هر دوی آن‌ها دیگرگون است؛ برای نمونه، پررنگ بودن بخش سخن‌رانی و مناسکی دلیل همانندی آن با هیئت‌های سنتی است و بودن ساز دف، شیوه‌ی اجرا، و ترکیب گروه مداحی (در جشن‌ها و مولودی‌ها)، که آمیزه‌یی از مداح و دف‌زنان است، در کنار سن و نوع پوشش مخاطبان، آن را به هیئت‌های عامه‌پسند نوین نزدیک می‌کند.

این نوع هیئت‌ها، بیش‌تر، به مناسبت‌های ویژه، مانند ایام فاطمیه، لیالی قدر، ایام محرم، و مانند آن، در منازل و حسینیه‌های شخصی، برگزار می‌شوند و در آن‌ها سخن‌رانی بخشی مهم به شمار می‌آید. محتوای سخن‌رانی‌ها پشتوانه‌ی استدلال عقلی دارد و بر پایه‌ی منابع اصیل دینی، مانند قرآن، حدیث، و نهج‌البلاغه ارائه می‌شود. اما، بیش‌تر، روی‌کردی عرفانی دارد. زنان مقدس در ادبیات این هیئت‌ها پویاتر و مستقل‌تر اند و رویه‌ی عاطفی بیش‌تر این هیئت‌ها، همانند هیئت‌های سنتی، سوگوارانه است.

ساختار آن در سوگ‌واری‌ها به صورت سخن‌ران/مداح، و در جشن‌ها به صورت سه‌گانه‌ی سخن‌ران/مداح/دف‌زن است. در خوانش دینی، احکام و شریعت، اگرچه انکار نمی‌شوند، مطرح هم نمی‌شوند و از جهاتی، همانند دین‌داری در هیئت‌های عامه‌پسند، فردی و ایمان‌محور اند. بیش‌تر مخاطبان (بر پایه‌ی پیمایش انجام‌شده، بالای ۶۰ درصد) این جلسه‌ها را افرادی از طبقه‌ی اجتماعی متوسط و بالا تشکیل می‌دهند، که از تحصیل‌کردگان و اعضای کلاس‌های ویژه‌یی مانند تفسیر عرفانی قرآن، نهج‌البلاغه، و مثنوی‌خوانی اند و با مفاهیم قرآنی و اشعار عرفانی آشنایی دارند. استقبال مخاطبان از بخش سخن‌رانی و مناسک بیش‌تر از مداحی است و به همین دلیل می‌توان گفت که انگیزه‌ی اصلی آنان، بیش‌تر، به دست آوردن دانش و شناخت دینی است. در این هیئت‌ها از شناسه‌ها و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی روز استفاده می‌شود و مداح آن‌ها، در مقایسه با مداحان عامه‌پسند یا سنتی، از پایگاه تحصیلی، فرهنگی، و اقتصادی بالاتری برخوردار است.

در مصاحبه‌یی که با یکی از مداحان این گونه مجالس انجام شد، به برخی از ویژگی‌های این مجالس اشاره شده‌است:

- شرکت‌کنندگان و مخاطبان شما از چه قشر و گروه سنی اند؟
- از همه‌ی اقشار و طبقات اجتماعی می‌آن، اما ما جلسه‌هایی داریم که فقط دانشجویان هستند. اغلب کسانی هم که من در خانه‌هاشان برنامه اجرا می‌کنم از همین



افراد اند. این اواخر، کسانی که من در خانه‌هاشان برنامه اجرا می‌کردم، اغلب طبقه‌ی بالای اجتماعی بودند و اکثراً هم تحصیلات بالا دارند و بسیاری از آن‌ها هم شاعرند.

– آیا در مورد انتخاب اشعار و آهنگ‌ها معیار خاصی دارید؟  
 – با هم‌کاری یکی از آقایان به نام [...]، که دکترای ادبیات فارسی دارن و صاحب شش دفتر مثنوی ان و یا یکی از شاگردان‌شون به نام خانم [...]، اشعار و غزلیات مربوطه انتخاب می‌شن و اشعار، به‌ویژه در خصوص ائمه، یا اشعار دیگری از دل‌کش، سیما بینا، و یا افتخاری.

– در سخن‌رانی‌ها تان به چه مسائلی می‌پردازید؟  
 – محتوای سخن‌رانی‌های من بیشتر تفسیر ئه و منابع تفسیرم هم *تفسیر المیزان* و، بیشتر، *تفسیر نمونه* است. در مورد مسائل خانوادگی، اخلاقی، و به‌ویژه خودسازی بحث می‌کنم.

– مردم بیشتر برای چه نوع مراسمی از شما دعوت می‌کنند؟  
 – البته مردم همیشه برای حوائج‌شون نذرهایی می‌کنن و در مراسم اون دعا‌هایی را می‌خونن، اما مخاطبان جلسه‌های من بیشتر طالب عزاداری ان. قشری که من برای اون‌ها برنامه اجرا می‌کنم نوعاً شادی و جشن دارن، اشعار عامه‌پسند و موسیقی دارن، و بیشتر طالب فضایی ان که معنویت اون‌ها رو بالا ببره و این معنویت رو در ایام محرم، فاطمیه، و عرفه جست‌وجو می‌کنن، که این ایام مناسبت‌های سوگواری و مناجات ئه.

### شبه‌هیئت‌ها

دسته‌ی دیگر از مشارکت‌های مذهبی، با عنوان «والتائین محرم» یا «حسین پارتی»، را نیز می‌توان در گروه هیئت‌های مذهبی نهاد، اما به دلیل نداشتن مکان و برنامه‌ی همیشگی و مشخص، به آن‌ها «شبه‌هیئت» گفته می‌شود. اعضای شبه‌هیئت‌ها دختران و پسران جوان، به صورت مختلط، اند و از شناسه‌های مهم آن اعتراض است. الگوی مشارکت زنان در این هیئت‌ها دگرگون شده است و برخلاف سنت مناسک عمومی، که حضور زنان را به صورت غیرمستقیم، پنهان، فرعی، و ناپویا می‌پذیرد، در این دسته از هیئت‌ها، مشارکت زنان مستقیم، آشکار، اصلی، و پویا است؛ برای نمونه، می‌توان به زنجیرزنی دختران در میدان محسنی، در سال ۱۳۸۲، اشاره کرد (*جمهوری اسلامی ۱۳۸۳*). شبه‌هیئت‌ها نمونه‌ی تندروی هیئت‌های عامه‌پسند اند، که اعضای آن تلاش می‌کنند نوعی روی‌کرد دیگرگون و

غیررسمی، که از روش‌های زندگی نوین در میان جوانان تأثیر پذیرفته‌است، را به این نوع مناسک بدهند.

جدول ۱ رابطه‌ی سازه‌های هویتی با انواع هیئت‌ها

نوع هیئت	سنتی	عامه‌پسند نوین	معرفت‌گرا
ساختار کلی هیئت	سخن‌ران/مداح	مداح/گروه نوازنده	سخن‌ران/مداح/دف‌زن
<b>سازمان</b>			
زمان	زمان‌مند و دوره‌یی نذری	زمان‌مند و ماهانه‌ی نذری	به مناسبت‌ها دهه‌های مهم مذهبی نذر
مکان	حسینیه‌های شخصی و منازل به‌تازگی در مساجد، تکایا، و مدارس	حسینیه‌های شخصی و منازل برخی اماکن دولتی	حسینیه‌های شخصی و منازل
نوع غالب مجالس	سوغ‌واری	شادمانه	سوغ‌واری
<b>مخاطب</b>			
انگیزه	دینی	دین‌ورزی	دین‌ورزی
	رفت‌وآمد اجتماعی	رفت‌وآمد اجتماعی	به دست آوردن دانش و شناخت دینی
	فعالیت خیریه	فعالیت خیریه و اقتصادی	فعالیت خیریه
زمینه‌ی فرهنگی	خانه‌دار	خانه‌دار و گاه شاغل	خانه دار و شاغل
طبقه‌ی اجتماعی	بیش‌تر، کم‌سواد تا سطح متوسطه متوسط و پایین	با تحصیلات گوناگون متوسط و بالا	بیش‌تر با تحصیلات بالا متوسط و بالاتر
<b>ادبیات هیئت</b>			
دعاخوانی	دعا و مناجات با معانی سطحی و ظاهری آن‌ها	دعاخوانی مختصر شعرخوانی، به عنوان دعا و مناجات	دعاخوانی با شرح تفسیر عمیق و بیان فرازهایی از دعا
اشعار	عامیانه، ساده، جگرسوز	عامه‌پسند، جگرسوز	اشعار شعرا و عرفای شناخته‌شده
	تصنیف‌های دگرگون‌شده با آهنگ‌های مجاز یا غیرمجاز	ترانه و تصنیف‌های دگرگون‌شده با آهنگ‌های مجاز یا غیرمجاز	در مولودی‌ها تصنیف و اشعار محلی و قدیمی عامه‌پسند
<b>مداح</b>			
زمینه‌ی فرهنگی	تحصیلات متوسطه و پایین‌تر	تحصیلات گوناگون	تحصیلات بالا و دارای دانش روز
	گاه تحصیلات حوزوی	بیش‌تر متوسطه و پایین‌تر	
انگیزه	پیشه	پیشه	پیشه
	تبرک‌جویی	اجرای هنری آوازخوانی	تبرک‌جویی
سازها	—	سوغ‌واری: دف، نی، دمام، سنج	سوغ‌واری: — مولودی: دف
گفتمان دینی	فقهی	غیرفقهی/انکار فقه	بی‌تفاوت



## تحلیل یافته‌ها

وجود چهارچوب‌های هنجاری و قوانین سخت هیئت‌های جاافتاده‌ی سنتی سبب ناکارآمدی و از دست دادن خوش‌آیندی این هیئت‌ها، در موقعیت دگرگون‌شده‌ی اجتماعی امروزین، و در میان دسته‌ی از دین‌ورزان شده‌است. گروه‌های مذهبی نوین، در کنار نگاه‌داری رویه‌ی دینی و فراطبیعت‌گرایی خود، به علت ناسازگاری با محیط اجتماعی و فرهنگی هیئت‌های سنتی، از این گروه‌ها جدا شده و گروهی گسترده از مخاطبان، با گرایش‌ها و باورداشت‌های گوناگون، را در خود پذیرفته‌اند. این هیئت‌ها می‌توانند با تعریف و معیارهایی اساسی، که *استارک* و *بن‌بریج* (۱۹۷۹) ارائه می‌دهند—بر پایه‌ی روی‌گردانی از یک سازمان مذهبی جاافتاده، نوپدید بودن، و شاخه‌ی از سازمان‌های مذهبی قدیمی نبودن (همیل‌تون ۱۳۷۷)—با عنوان جنبش‌های جدایی‌خواه شکل‌گرفته بر پایه‌ی کیش (مناسک)، هم‌خوان شوند. این هیئت‌ها سازمان و هنجارهایی مانند پوشش کامل اسلامی، حرام بودن ورود ساز به مجالس دینی، و سخن‌رانی در باره‌ی فقه و احکام (به‌ویژه احکام زنان) را نادیده‌گرفتند و با پذیرش مفهوم دین، به عنوان یک سامانه‌ی خوش‌نودی شخصی و بخشی از زندگی خصوصی، ارزش‌های مذهبی را با ارزش‌های جهانی و امروزین جامعه درآمیختند تا در زندگی عرف‌گرای آن‌ها کارکردی بیش‌تر داشته‌باشد. این گروه‌ها با ارزش دادن به باورها و رشد عقلی و روحی فردی (جست‌وجوگری)، انکارکننده‌ی مطلق‌گرایی اخلاقی، فقهی بودن، و قالب‌های نخبه‌گرا در گفتمان دینی هیئت‌های سنتی اند.

در هیئت‌های عامه‌پسند نوین، این گروه‌ها با ساخت مناسکی مانند «جشن عروسان به‌زیستی» و شکل جدید «حدیث کسا»، که به شکل اشعاری شاد، در وصف پنج تن آل عبا، و ابیاتی در توسل به *بالفضل*، با همراهی نوازندگان و هم‌خوانی و دست زدن مخاطبان اجرا می‌شود، رویه‌ی سوگوارانه‌ی مناسک دینی را به مناسکی شادمانه بدل کردند؛ بدین ترتیب، در این هیئت‌ها، به جای کارشناسان علوم حوزوی، مداحان کارگزاران مجلس به شمار می‌آیند و ساختار سخن‌ران/مداح نیز جای خود را به مداح/نوازنده می‌دهد.

در روی‌کرد دینی هیئت‌های عامه‌پسند زنانه، دین، پیش از آن که در قالب بایدها و نبایدهای فقهی و شرعی نمایان باشد، دارای ارزش‌ها و مفاهیم انسان‌دوستانه و خیرخواهانه است؛ به همین دلیل، برخی مکان‌ها، مانند مرکز توان‌بخشی معلولان و به‌زیستی، که در گذشته تنها کارکرد خدماتی و بهداشتی داشتند، در نگاه یک دین‌دار سنتی، همانند یک زیارتگاه و امام‌زاده، نماد مکانی مقدس و متبرک می‌شود، که ارزش نذر کردن و حاجت گرفتن می‌یابد. این گونه از هیئت‌ها، با توجه به گرایش‌هایی مانند اشتغال، تحصیلات، و

نوع پوشش دین‌ورزان آن، که گرایش به دگرگونی هرچه‌بیش‌تر به سوی دنیوی شدن و سازگاری با دگرگونی‌های زندگی نوین دارد، بیش‌تر با الگوی «جنبش‌های تأییدکننده‌ی جهان» سازگار است. از سوی دیگر، پذیرش گسترده‌ی دین‌ورزان، با گرایش‌های گوناگون و مرجعیت شخصی در تجربه‌ی دینی، با فردگرایی جامعه‌ی نوین هم‌خوان‌تر است، و این همان مفهومی است که والیس (۱۹۸۴؛ ۱۹۸۵) از آن به عنوان فردگرایی معرفت‌شناختی یاد می‌کند؛ زیرا در جامعه‌ی امروز و موقعیت بازاری آن، مصرف‌کننده حرف نخست را می‌زند و بر اثر دگرگونی‌های پسندها و مد در میان اعضای هیئت‌ها، فرآورده‌های تولیدی، برای گسترش کنش بازاری در واکنش به این موقعیت، گوناگون می‌شود. به باور والیس، کالایی شدن بازار کیش و پی‌آمدهای آن نتیجه‌ی مستقیم همین فردگرایی معرفت‌شناختی است (همیل‌تون ۱۳۷۷).

در هیئت‌های معرفت‌گرا نیز گرایش و نیاز شرکت‌کنندگان روش برنامه و محتوای مجلس را تعیین می‌کند و انگیزه‌ی کسب‌وکار آن‌ها را بر آن می‌دارد تا سرمایه‌ی معنوی و شناختی مجالس خود را افزایش بدهند. هویت دینی این دسته از زنان، به سبب بهره‌مندی از منابع هویتی فرهنگی (تحصیلات) و مادی (طبقه اجتماعی)، گفتمانی دینی را پدید آورده که از شناخت و معرفتی بیش‌تر برخوردار است.

ورود ساز و توجه به جنبه‌های هنری در مولودی‌ها و نیز پوشش غیرسنتی زنان با شرایط زندگی امروز آنان سازگارتر است؛ افزون بر این که گونه‌گونی گروه‌های سنی و طبقه‌ی اجتماعی دین‌ورزان، که بر پایه‌ی یافته‌های میدانی، در رفاه اجتماعی بیش‌تر اند، هیئت‌های معرفت‌گرا را در گروه «جنبش‌های تأییدکننده‌ی جهان» جای می‌دهد؛ در حالی که گرایش مناسب‌تری آن‌ها، ساختار سخن‌ران/مداح، با پافشاری بر بخش سخن‌رانی، و محور و مرجع بودن قرآن و حدیث، در بخش نظری و اعتقادی، ویژگی‌هایی را به این هیئت‌ها بخشیده‌است که با الگوی «جنبش‌های تطبیق‌کننده با جهان» هم‌خوانی دارد. این هیئت‌ها روی‌کردی معرفتی و عرفانی به دین دارند و از این نظر می‌توان آنان را در گروه «جنبش‌های پردکننده‌ی جهان» قرار داد. به نظر می‌رسد که این نوع هیئت‌ها الگویی پیچیده‌تر، با عنوان طبقه‌بندی چهارم، را پدید آورده و بخش‌هایی از سه الگوی دیگر را در خود جای داده‌است. این طبقه‌بندی چهارم را شاید بتوان «جنبش‌های تعدیل‌کننده‌ی جهان» نامید.





## جمع‌بندی

بررسی و توجه به هیئت‌های نوین مذهبی، توجه به رویه‌های نوگرایی دین، برای پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان‌ها در اوضاع اجتماعی تازه است، زیرا در شرایط کنونی، دین سنتی از توان کافی برای این کار بهره‌مند نیست.

با توجه به سازه‌های هویتی، هیئت‌های مذهبی زنانه را می‌توان در دو دسته‌ی هیئت‌های سنتی و هیئت‌های نوین جای داد، که هیئت‌های نوین نیز، خود از دو دسته‌ی عامه‌پسند نوین و معرفت‌گرا تشکیل شده‌اند. در هیئت‌های عامه‌پسند نوین، شخصیت کاریزماتیک مداحان، به عنوان نخبگان دینی، بسیاری از دین‌ورزان را گرد هم می‌آورد، و این، بنا به گفته‌ی وبر<sup>۱</sup> که می‌گوید: «کاریزما صدای رنج‌های مردم است» (واخ<sup>۲</sup>: ۱۳۸۰: ۲۵۵)، به دلیل آگاهی آنان از نیاز و گرایش مخاطبان صورت می‌گیرد. این افراد، با ارائه‌ی شیوه‌های تازه، گونه‌گونی و کشش این نوع مجالس را همیشگی می‌کنند.

اشکال جدید دین‌ورزی، هیئت‌های سنتی و نهاد رسمی دینی را در سه لایه مورد اعتراض قرار می‌دهند:

۱ در تعالیم و احکام: نادیده‌گرفتن برخی از احکام و اصول، مانند پوشش اسلامی یا مشارکت مختلط در یک فضا.

۲ در نمایان ساختن شیوه‌ی مناسک و آیین: تبدیل رویه‌ی سوگوارانه به شادمانه.

۳ در سازمان دین: انکار مرجع هنجار بودن کارشناسان حوزوی، با از میان بردن بخش وعظ و سخن‌رانی، و نیز جای‌گزینی فردگرایی معرفت‌شناختی، به جای نخبه‌گرایی.

از دید دیگر، بسته بودن برخی از حوزه‌های هنری، مانند ممنوعیت صدای زن و نیاز اجتماعی به آن، هم در عرضه و هم در تقاضا، و نیز خواست بالای زنان برای کارهای اقتصادی سبب شده‌است مداحی، که در گذشته یک کار دینی با انگیزه‌ی تبرک‌جویی بود، به یک پیشه تبدیل شود یا، به عنوان گستره‌ی نمایش هنری زنده، برای آن دسته از زنان که جایی دیگر برای نمایش هنر خود نمی‌یابند، مورد توجه قرار گیرد. به دلیل آن که گستره‌ی عمومی برای اجرای چنین روش‌هایی، به وسیله‌ی برنامه‌ریزان کلان اجتماعی، بسته است، ناگزیر، بسیاری از این روش‌ها به گستره‌های خصوصی و مستقل‌تر رانده می‌شوند. روشن است که در جامعه‌ی مذهبی ایرانی، به‌ترین جا برای بازنمایی این نیاز مجالس دینی و مذهبی است، که به دلیل عنوان و محتوای مذهبی‌شان، خواهان بسیار دارند.

<sup>۱</sup> Weber, Max (1864–1920)

<sup>۲</sup> Wach, Joachim

در مجموع، دگرگونی‌های پدیدآمده در هیئت‌های مذهبی ویژگی‌هایی را پدید آورده‌است، که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱ در هیئت‌های سنتی، که بخش اعتقادی و فقهی سخن‌رانی پررنگ است، زنان جوان چندان گرایشی به مشارکت ندارند.
- ۲ با نادیده‌گرفتن بخش سخن‌رانی‌های اعتقادی و فقهی، برخی نموده‌های غیرفقهی، مانند ظاهر و پوشش مخاطبان و ورود ساز به هیئت‌های عامه‌پسند نوین، ایستادگی بیش‌تری پیدا می‌کنند و این امر در شبه‌هیئت‌ها به اوج می‌رسد. در شبه‌هیئت‌ها، با برهم‌خوردن قالب و شکل سنتی، سازه‌های هویتی، و آمیختگی مشارکت مذهبی زنان و مردان در فضای باز و عمومی، این ایستادگی چهره‌ی آشکارتر به خود می‌گیرد. نوع پوشش این دسته از زنان و شیوه‌ی حضورشان در کنار دوستانی با جنس مخالف، نادیده‌گرفتن آشکار اصول دینی و عبور از خط قرمزها در خوانش‌های رسمی و سنتی است.
- ۳ در هیئت‌های معرفت‌گرا نیز، که بخش سخن‌رانی و تفاسیر ادعیه و قرآن پررنگ است، روی‌کرد این سخن‌رانی‌ها، بیش‌تر، عرفانی و شناختی است تا فقهی و شریعتی.

با توجه به وجود دگرگونی‌هایی که در صورت و محتوای این هیئت‌ها روی داده‌است، این پرسش پیش می‌آید که آیا می‌توان هیئت‌های تازه را جانشینی کارآمد برای شورش‌های ضدفرهنگی، که بیش‌ترین تلاش را برای پدید آوردن جامعه‌ی یک‌دست و یک‌نواخت انجام داده‌اند، به شمار آورد یا خیر. در همه‌ی انواع مشارکت‌های دینی زنانه، نمودی از ایستادگی در برابر خوانش سنتی از دین، هویت، و نقش‌های سنتی زنان به چشم می‌خورد، که بازدارنده‌ی انجام مهم‌ترین کارکرد جلسه‌ها و هیئت‌های دینی، یعنی سازمان‌دهی گفتمان دین سنتی است. این امر نقش هیئت‌ها را برای این لایه‌ی اجتماع به گونه‌ی دگرگون کرده‌است که در بازتولید گفتمان سنتی در میان زنان، به‌ویژه جوانان، نقشی ضعیف را بازی می‌کنند.

## منابع

کازمی‌پور، عبدالمحمد. ۱۳۸۲. «باورها و رفتارهای مذهبی در ایران»، مجموعه طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.



جمهوری اسلامی. ۱۳۸۳. «نمایش ابتدال در خیابان میرداماد به بهانه‌ی شام غریبان حسینی: گزارش مصور روزنامه‌ی جمهوری اسلامی از پارتی خیابانی افراد لاپالی در تهران.» روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۴ اسفند.

محسنی، منوچهر. ۱۳۸۲. *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نوری‌نیا، حسین. ۱۳۷۸. «هیئت‌های مذهبی زنان.» *اندیشه‌ی جامعه* ۵.

واخ، یوآخیم. ۱۳۸۰. *جامعه‌شناسی دین*. برگردان جمشید آزادگان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

همیل‌تون، ملکم. ۱۳۷۷. *جامعه‌شناسی دین*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: تیان.

Anthony, Dick, and Thomas Robbins. 1974. "The Meher Baba Movement." Pp. 479–511 in *Religious Movement in Contemporary America*, edited by Irving Zaretsky and Mark Leone. Princeton, NJ, USA: Princeton University Press.

———. 1983. "Spiritual Innovation and the Crisis of American Civil Religion." Pp. 229–248 in *Religion and America: Spiritual Life in a Secular Age*, edited by Mary Douglas and Steven Tipton. Boston, MA, USA: Beacon Press.

Anthony, Dick, Thomas Robbins, Madeline Doucas, and Thomas Curtis. 1978. "Patients and Pilgrims: Changing Attitudes towards Psychotherapy of Converts to Eastern Mysticism." Pp. 65–90 in *Conversion Careers: In and Out of New Religions*, edited by James Tull Richardson. Beverly Hills, CA, USA: Sage.

Bird, Frederick. 1979. "The Pursuit of Innocence: New Religious Movements and Moral Accountability." *Sociological Analysis* 40(4): 335–346.

Glock, Charles Y., and Robert N. Bellah, eds. 1976. *The New Religious Consciousness*. Berkeley, CA, USA: University of California Press.

Luckmann, Thomas. 1990. "Shrinking Transcendence, Expanding Religion?" *Sociological Analysis* 50(2):127–138.

Marx, John H., and David L. Ellison. 1975. "Sensitivity Training and Communes: Contemporary Quests for Community." *Pacific Sociological Review* 18(4):442–462.

Petersen, Donald W., and Armand L. Mauss. 1973. "The Cross and the Commune: An Interpretation of the Jesus Movement." Pp. 261–279 in *Religion in Sociological Perspective: Essays in the Empirical Study of Religion*, edited by Charles Y. Glock. Belmont, CA, USA: Wadsworth.

Stark, Rodney, and William Sims Bainbridge. 1979. "Of Churches, Sects, and Cults: Preliminary Concepts for a Theory of Religious Movements." *Journal for the Scientific Study of Religion* 18(2):117–133.

———. 1985. *The Future of Religion: Secularization, Revival, and Cult Formation*. Berkeley, CA, USA: University of California Press.

———. 1987. *A Theory of Religion*. New York, NY, USA: Lang.

Stone, Donald. 1976. "The Human Potential Movement." Pp. 93–115 in *The New Religious Consciousness*, edited by Charles Y. Glock and Robert N. Bellah. Berkeley, CA, USA: University of California Press.

Wallis, Roy. 1984. *The Elementary Forms of the New Religious Life*. London: Routledge.

- . 1985. "Betwixt Therapy and Salvation: The Changing Form of the Human Potential Movement." Pp. 23–51 in *Sickness and Sectarianism: Exploratory Studies in Medical and Religious Sectarianism*, edited by R. Kenneth Jones. Aldershot, UK: Gower.

نویسنده

مزگان دستوری

کارشناس ارشد مطالعات زنان

mojgan\_dastoury@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

از وی ترجمه و تألیف کتاب *اقوام هلاک شده* و ترجمه‌ی کتاب *زنان و قدرت های سیاسی* و مجموعه کتاب‌های *نیازهای اساسی کودکان* (خواب کودکان؛ بازی کودکان؛ و تغذیه‌ی کودکان) به چاپ رسیده‌است. وی چهار مقاله‌ی علمی-پژوهشی نیز در زمینه‌ی جنسیت و مسائل زنان نگاشته‌است.